

حذف هویت قاجاری ارک علی شاه تبریز با مرمت به شیوه پاکسازی سبکی

بهرام آجورلو*
علی نعمتی بابایلو**

چکیده

معماری نظامی عهد قاجاری یکی از مباحثی است که در تاریخ معماری ایران کمتر بدان توجه کارشناسی شده است. ارک علی شاه تبریز یکی از آثار معماری نظامی عهد قاجاری و از اسناد عینی و مدارک مادی بر جای مانده از جنگ‌های ایران و روس است که در تمامی گزارش‌های تاریخی عهد قاجاریه از آن با عنوان ارک شهر و قلعه تبریز یاد شده است. کاوش‌های باستان‌شناختی سال ۱۳۵۰ ه. ش در محوطه ارک علی شاه تبریز، با سرپرستی و هدایت آقای «علی اکبر سرفراز»، صرف نظر از آثار معماری - باستان‌شناختی عهد ایلخانی، بقایای معماری و ادوات جنگی عهد قاجاریه را نیز عیان و آشکار کرد؛ که مجموعه آثار مکشوف، از نظر کاوشگر، بازمانده‌های ساخلوی عهد قاجار است؛ که در آنجا مهمات و ساز و برگ رزمی سپاه عباس میرزا فرمانفرما، در نبرد با روسیه تزاری، تولید و تأمین می‌شد. متأسفانه، خروج آثار تاریخی عهد قاجار از شمول قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران (۱۳۰۹ ه. ش.) و روش پاکسازی سبکی در مرمت این اثر، سبب شده است که در هشتاد سال گذشته هویت قاجاری ارک علی شاه تبریز حذف شده و به تبع آن، تاریخ ایران بخشی از شواهد باستان‌شناختی و تاریخ مادی جنگ‌های ایران و روس را برای همیشه از دست بدهد.

واژگان کلیدی

ارک علی شاه تبریز، عهد قاجاری، قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران، مرمت، پاکسازی سبکی.

*. دکتري باستان‌شناسی، استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز و مدیر مرکز تحقیقات مرمت بناها و بافت‌های تاریخی و فرهنگی دانشگاه هنر اسلامی تبریز. نویسنده مسئول
۰۴۱۱۵۴۱۹۹۷۰

ajorloo@tabriziau.ac.ir

** کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی و فرهنگی، مربی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، مرکز تحقیقات مرمت بناها و بافت‌های تاریخی و فرهنگی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
babaylou@tabriziau.ac.ir

مقدمه

ارک علی‌شاه تبریز بازمانده‌های ایوان یک بنای ناتمام آرامگاهی است که در فاصله سال‌های ۷۱۸ تا ۷۳۹ ه.ق. در صحن مجموعه مسجد جامع علی‌شاه تبریزی در دست احداث بود. با کاوش محوطه ارک علی‌شاه در دهه ۱۳۵۰ ه.ش. بازمانده‌ها و پلان بنایی به دست آمد که در جبهه جنوبی و سمت قبله فاقد دیوار، اما دارای یک پیش‌خان با دو مناره بود که بعدها با تغییر پلان و طرح مهندسی بنا، ایوان کنونی موسوم به ارک علی‌شاه را بدان افزودند و بر فراز آن یک طاق بلند (شاید از گونه آهنگ) افزودند. اما با فروریختن همین طاق، احداث این بنای آرامگاهی ناتمام ماند و تا عهد قاجار دیگر از آنجا استفاده نشد. بنابراین، ایوان ارک علی‌شاه بازمانده مسجد جامع علی‌شاه تبریزی نیست بلکه بازمانده‌های مسجد جامع علی‌شاه تبریزی در جبهه شرقی ایوان کنونی قرار داشت که متأسفانه در سال ۱۳۷۶ تخریب شد (Adjerloo & Mansouri, 2006). ویرانه ایوان علی‌شاه تبریزی بار دیگر در عهد قاجار مورد توجه و استفاده قرار گرفت، وقتی که جنگ‌های ایران و روس ایجاب می‌کرد تا به تعجیل برای شهر تبریز استحکامات نظامی ساخته شود.

معماری نظامی عهد قاجار در تاریخ معماری ایران کمتر مورد توجه فنی و بحث کارشناسی بوده است. این در حالی است که جغرافیای سیاسی ایران در عهد قاجار به سبب جنگ‌های سرنوشت‌ساز چوچون ایران و روسیه تزاری (۱۸۲۸-۱۸۰۴ م.) و ایران و بریتانیا (۱۸۵۷ م.) و با امضاء معاهدات گلستان و ترکمان‌چای و پاریس دگرگون و متحول شده، و سرانجام پس از پایان جنگ اول جهانی (۱۹۱۸-۱۹۱۴ م.) نقشه سیاسی کنونی ایران شکل نهایی گرفته و تثبیت شد؛ بنابراین مطالعه و بررسی معماری نظامی قاجار می‌تواند رهنمودهای بسیار مهمی درباره تاریخ تحولات سیاسی و اقتصادی این دوران مهم فراهم کند. ارک علی‌شاه تبریز یکی از همین آثار معماری نظامی عهد قاجار است که بنا به ضرورت تأمین ساز و برگ جبهه قفقاز و فرماندهی سپاه ایران برای آزادسازی شمال آذربایجان به سرعت و بدون طرح مهندسی و نقشه قبلی و صرفاً بر مبنای تغییر چهره ویرانه‌های مسجد جامع علی‌شاه تبریزی (عهد ایلخانی) و با احداث سازه‌های الحاقی به شکل قلعه تبریز درآمد. بنابراین، آثار معماری و شواهد باستان‌شناختی کاربری نظامی ارک علی‌شاه در عهد قاجار یکی از اسناد عینی و مدارک مادی بر جای مانده از جنگ‌های ایران و روس بوده که متأسفانه در هشتاد سال گذشته دیگر چیزی از آن بر جای نمانده است.

مسئله نوشتار حاضر این است که اسباب و علل بنیادین روند

تخریب سازه‌ها و الحاقات عهد قاجاری در ارک علی‌شاه تبریز و تغییر منظر و ماهیت و هویت اثر کدام بوده است؟ که نگارندگان صرف نظر از روند تخریب آگاهانه دو دهه گذشته، فرضیه تخریب سازه‌ها و الحاقات عهد قاجاری در ارک علی‌شاه تبریز به واسطه مرمت به روش پاکسازی سبکی را مطرح کرده و نیز کوشیده‌اند تا با روش بررسی اسناد تاریخی و پلان سازه‌های الحاقی، این فرضیه را ارزیابی کنند.

مستندات باستان‌شناختی و تاریخی کاربری نظامی ارک علی‌شاه در عهد قاجار

تمامی گزارش‌های تاریخی عهد قاجاریه از بنای ارک علی‌شاه با عنوان ارک شهر و قلعه تبریز یاد کرده‌اند. سفرنامه بارون فیودورکوف (۱۸۳۵-۱۸۳۴ م.) اولین سند تاریخی است که به کاربری نظامی محوطه ارک علی‌شاه تبریز اشاره می‌کند. او می‌نویسد:

"قصر ولیعهد که به آن ارک می‌گویند، کاروانسرا و بازار عباس میرزا و تعداد کمی از خانه‌های شخصی جزو اماکن دیدنی شهر به حساب می‌آید... ارک بنایی است قدیمی و نیمه‌مخروطه با برجی بلند. کارخانه و انبار مهماتی که عباس میرزا آن را تأسیس کرده است، اکنون در ارک قرار دارد." (فیودورکوف، ۱۳۷۲: ۱۰۲ و ۹۲) همچنین جهانگیر میرزا قاجار در کتاب تاریخ نو (۱۲۶۷ ه.ق.) نوشته است که پس از سقوط تبریز به دست ارسطوف (آریستوف) ژنرال روسیه تزاری، سالدات‌های روس در ارک تبریز مستقر شدند (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۹۰):

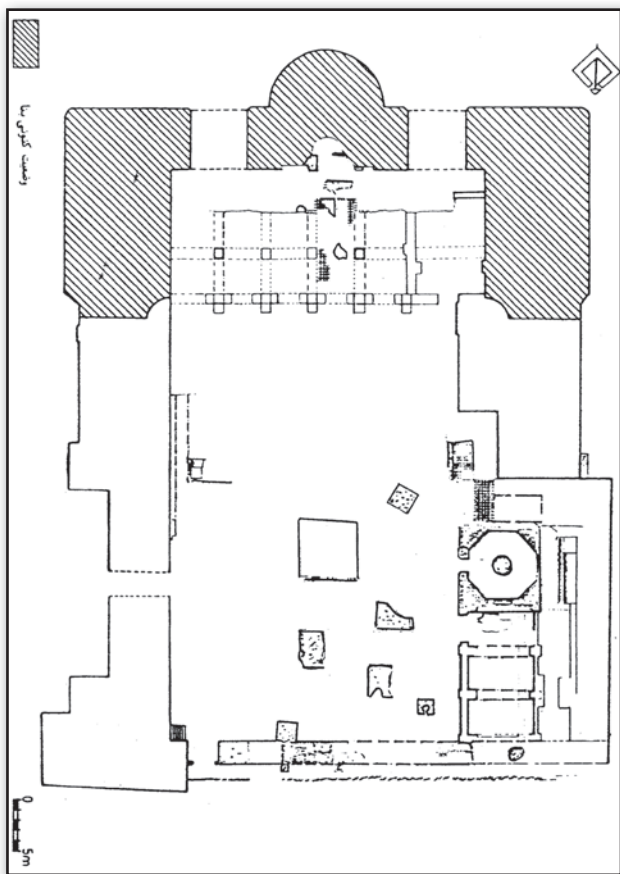
"... بدارالاماره نزول نمود و هزار نفر سالدات به ارک فرستاده، قورخانه و انبار را مضبوط نمود و دو عراده توپ با ریسمان‌ها بر بالای طاق علی‌شاه که از بناهای قدیم تبریز و کمال ارتفاع دارد کشیده، مشغول به ضبط و حراست مملکت تبریز شده ... محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۶۶: ۵۵۲، ۶۱۳) نیز نوشته است که ارک علی‌شاه مکان قورخانه و کارگاه ساخت وسایل و مایحتاج توپخانه قشون دولتی قاجار بوده است:

"... شاهزاده عباس میرزای نایب‌السلطنه دفعه آخر که مشغول جنگ با روس بود، در آن محل یک توپخانه و یک قورخانه ساخت."

سفرنامه‌های اوژن اوبن (Aubin, 1908: II) و دیولافوا (Dieulafoy, 1887: IV) نیز به کاربری نظامی ارک تبریز در عهد قاجاریه اشاره دارند؛ که دیولافوا (۱۸۸۱ م.) به متروک و مخروطه ماندن کارگاه توپ‌ریزی ارک علی‌شاه به هنگام بازدید وی از تبریز اشاره می‌کند. همچنین نادر میرزا قاجار در کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز (۱۳۰۲ ه.ق.) آنجا را ارک و

باستانی در فرآیند ایوان ارک، ارتفاع بنا به اشتباه ۲۴ م. برآورد می‌شد. اولین لایه را قشری از نخاله متراکم به ضخامت یک متر تشکیل می‌داد که پس از برداشتن آن، آثار معماری سه مرحله متمایز شناسایی شد. بر پایه شواهد موجود، در فرا پیش محراب در ابتدا آثار معماری آجری وجود داشته که شاید بر اثر زلزله و یا ریزش رأس دیوارهای ارک ویران شده است؛ آنگاه پس از تسطیح آجرهای فرو ریخته، که قشری در حدود یک متر می‌شد، آثار معماری مرحله دوم را ساخته‌اند که پوشش آن به صورت طاق‌های قوس‌دار سوار بر جرزهای مکعبی شکل بوده است. البته داغ و اثر قوس جرزهای باربر طاق تا همین اواخر هنوز بر روی دیوارهای ایوان ارک مشهود بود (تصویر ۳). این جرزها در واقع به انبارهایی اشاره دارند که از مصالح و آجرهای فروریخته ارک ساخته بودند. بزرگترین انباری به ابعاد ۶،۳۸×۱۲ م. بود که در گاهی به عرض دو متر داشت. دیوارهایی به ضخامت یک متر و در فواصل معین

اسلحه‌خانه دولت و انبار غلات دیوان نامیده است. او می‌نویسد که مجموعه انبارهای غلات دیوان در سال ۱۲۹۸ ه. ق. ساخته و به ابنیه و الحاقات عهد قاجاری ارک علی‌شاه افزوده شده است و همچنین مؤیدالدوله را تعمیرکار و سازنده ارسی‌کاری‌ها و بالاخانه غربی غلام‌گردش بالای بنا معرفی می‌کند (نادرمیرزا قاجار، ۱۳۷۳: ۱۴۴-۱۴۲). نقشه‌های بازمانده از اواخر عهد قاجار نیز موقعیت ارک را به عنوان محوریت حصار و باروی شهر تبریز، در جبهه جنوبی شهر، نشان می‌دهد (تصویر ۱). افزون بر روایات تاریخی، کاوش‌های باستان‌شناختی سال ۱۳۵۰ ه. ش. در محوطه ارک علی‌شاه تبریز، با سرپرستی و هدایت آقای علی‌اکبر سرفراز، صرف نظر از آثار معماری و باستان‌شناختی عهد ایلخانی، بقایای معماری و ادوات جنگی عهد قاجاریه را نیز عیان و آشکار کرد (تصویر ۲)؛ (Adjerloo, Mansouri, 2006). پیش از آغاز کاوش، در نتیجه تراکم و انباشت نخاله‌ها و نهشت‌های



تصویر ۲. پلان سازه‌ها و الحاقات قاجاری ارک تبریز؛ مکشوف از کاوش‌های باستان‌شناختی آقای سرفراز. مأخذ: آرشیو آقای علی‌اکبر سرفراز.
Fig. 2. The plan of Qajarid architectural remains and its added structures, all unearthed by A. Sarfaraz's excavations. Source: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.



تصویر ۱. موقعیت ارک تبریز نسبت به سور و حصار شهر در اواخر عهد قاجاریه. مأخذ: عبدالحسینی، ۱۳۹۰.
Fig. 1. The setting of the Arch of Alishah in Tabriz in connection with the city walls and bastions of Tabriz by the end of Qajarid era. Source: Abdolhoseyni, 2011.

وجود داشت. بر پایه شواهد موجود، بدنه اتاق‌ها آجری و سقف آنها به شکل استوانی و از خشت بوده است. تنها ورودی انبارهای نامبرده از جبهه شرقی و از راه انباری بزرگ‌تری بود که موازی با آنها ساخته بودند. انباری بزرگتر (۱۲×۶٫۲ م.) سقفی مسطح داشته و در امتداد دیوارهای آن، با هدف تیرریزی، در فاصله هر سه متر جرزهای آجر چین به ضخامت بیش از یک متر ساخته بودند. پنجره‌ها را در ارتفاع دو متری نصب کرده بودند. در پشت انباری و در سطحی بالاتر، بر روی بقایای دیوار قدیمی غربی ارک، اتاقکی با پلان هشت ضلعی (کلاه فرنگی) پدیدار شد که درگاه آن از شرق بود (نک. تصویر ۴). در میانه این اتاقک سکویی مدور و طاق‌نمایی فرو رفته به شکل نیمکت وجود داشت. از نظر کاوشگر، این بنا شاید قرارگاه فرماندهی بوده است.



تصویر ۴. گوشه شمال غربی ارک تبریز: بازمانده عمارت کلاه فرنگی و کارگاه توپ‌ریزی عهد قاجاری که در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ ه. ش. آقای سرفراز خاکبرداری شدند. مأخذ: آرشیو آقای علی اکبر سرفراز.

Fig. 4. The northwestern corner in the Arch of Alishah in Tabriz: the architectural remains of a hexagonal quarter and its Qajarid artillery manufacturing workshops; all unearthed by A. Sarfaraz's excavations in 1971. Sources: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.

همچنین به دیوار جبهه شرقی ارک در عهد قاجاری ۶۹ پله آجری، هر یک به ارتفاع ۳۵ سانتی‌متر، افزودند (تصویر ۵) که البته در سال ۱۳۶۰ ه. ش. تخریب شدند (خیری، صدرایی، ۱۳۸۱). معماران ارک در ارتفاع ۳۰ متری بنا از افزایش دیوار به عرض ۲/۵ متر از هر طرف اجتناب کرده‌اند؛ بنابراین در عهد قاجاری با ساخت دیوارک و ارسی‌کاری در گرداگرد پشت بام بنا، غلام گردشی به عرض ۱/۷۵ م. پدید آورده‌اند که کف آن آجر فرش است. دیوارک این غلام گردش نیز مزغله‌هایی برای تیراندازی و دیده‌بانی دارد (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۲). افزون بر آثار معماری مکشوف، دو حلقه چاه نیز در فرا پیش محراب کشف شده که دارای آب و از دلایل رطوبت کنونی بنا هستند. کاوشگر این دو حلقه چاه را محل تأمین آب مصرفی پادگان یا کوره‌های فلزکاری



تصویر ۳. دیوار غربی ارک تبریز: بازمانده جرزها و داغ طاق ضربی سربازخانه عهد قاجاری که در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ ه. ش. آقای سرفراز خاکبرداری شدند. مأخذ: آرشیو آقای علی اکبر سرفراز.

Fig. 3. The western wall of the Arch of Alishah in Tabriz, the remains of collapsed walls and architectural signs of vaults as customary in the Qajarid garrisons; all unearthed by A. Sarfaraz's excavations in 1971. Sources: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.

جرزهای تقویت‌کننده داشت. دیوار غربی ارک، دیوار غربی این انباری را تشکیل می‌داد. موازی با همین انباری، تالاری بزرگ ساخته بودند که تمامی دهانه ایوان جنوبی را فرا می‌گرفت. ابعاد این تالار ۲۴×۶/۳۸ م. و دارای پنج درگاه به عرض ۲ متر بود. دیوار شرقی این تالار را دیوار شرقی ارک تشکیل می‌داد و از نظر کاوشگر اینجا سربازخانه بوده است (نک. تصویر ۳).

بخش دوم معماری عهد قاجاری در میانه انتهای شمالی دیوار غربی ارک و دیوار شمالی بنای قدیمی عهد ایلخانی کشف شد. این آثار شامل یک انباری و یک عمارت کلاه فرنگی بود (تصویر ۴) که انباری از اتاق‌هایی پشت سر هم به ابعاد ۱۸/۳×۲/۶ م. و ارتفاع ۲/۳ م (بازمانده) تشکیل می‌شد. این اتاق‌ها به سه ردیف تقسیم می‌شدند که در میان آنها راهرویی به عرض ۱/۵ م.



تصویر ۶. جبهه شمالی ارک تبریز: بازمانده کوره‌های آهنگری در کارگاه توپ‌ریزی عهد قاجار که در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ ه. ش. آقای سرفراز خاکبرداری شدند. مأخذ: آرشیو آقای علی اکبر سرفراز.
Fig. 6. The northern corner in the Arch of Alishah in Tabriz: the architectural remains of Qajarid blacksmith kilns deployed for artillery manufacturing; all unearthed by A. Sarfaraz's excavations in 1971. Sources: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.



تصویر ۵. گوشه شمال شرقی ارک تبریز: پلکان عهد قاجاری که در سال ۱۳۶۰ ه. ش. تخریب شد. مأخذ: آرشیو آقای علی اکبر سرفراز.
Fig. 5. The northeastern corner in the Arch of Alishah in Tabriz: the Qajarid staircase which had been destroyed in 1981. Sources: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.

پهلوی اول از باستان‌گرایی و نیز الگوهای غربی تأثیر پذیرفت (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹).

حکومت پهلوی اول در آموزش و پژوهش‌های تاریخی توجهی ویژه و مؤکد بر ایران پیش از اسلام داشته و بر مبنای همین رویکرد بود که انجمن آثار ملی تأسیس شده و بعدها ریاست افتخاری آن به رضاشاه پیشنهاد شد. این انجمن، شیوه و نگاه غربی حفاظت از آثار تاریخی را ترویج می‌کرد، چندان که «ذکاء الملک فروغی» در سخنرانی سال ۱۳۰۵ ه. ش. خویش، اروپاییان را بهترین الگوی حفاظت از آثار گذشتگان معرفی کرد (Hojjat, 1995). باستان‌شناسی ایران باستان پیش از اسلام و معرفی و حفظ و مرمت آثار باستانی با تأکید بر آثار پیش از قاجار، بر همین مبنای رویکردهای بنیادین سیاست فرهنگی پهلوی اول بود که در بازدید رضاشاه از کاوش‌های تخت جمشید تأیید رسمی شد (Abdi, 2001)، اما در این میان، مشاوران و مستشرقین غربی نیز سهم ویژه خود را داشتند. از ایشان، کسانی چون «آرتور آپهام پوپ» آمریکایی و «ارنست هرتسفلد» آلمانی در تأسیس مؤسسه آمریکایی باستان‌شناسی و هنر ایران و انجمن آثار ملی ایران با مساعدت چهره‌های فرهنگی چون «ذکاء الملک فروغی» (اصفهانی)، «علی اصغر حکمت» (شیرازی)، «سناتور تقی‌زاده» (تبریزی)، «شیخ ملا ابراهیم» (زنجان) و «تیمورتاش» (خراسانی) تلاش بسیار داشتند و در همین راستا، با اعمال فشارهای سیاسی داخلی و خارجی در نهایت توانستند که در گام اول با شکستن دو مقوله انحصاری «ناصری» و «مظفری» فرانسویان نسبت به آثار

معرفی می‌کند (؟) همچنین در محوطه ارک علی‌شاه پنج کوره خشتی به شکل مکعب پدیدار شدند که برای ذوب سنگ آهن و کارهای فلزکاری به کار می‌رفتند (تصویر ۶). کشف انبار زیرزمینی گلوله‌های توپ و مهمات در بیرون از دیوار شمالی بنای قدیمی ثابت کرد که این کوره‌ها برای تولید گلوله‌های توپ به کار می‌رفته‌اند (Adjerloo, Mansouri, 2006). سرفراز مجموعه آثار مکشوف را بازمانده‌های ساختمانی عهد قاجار دانسته که در آنجا مهمات و ساز و برگ رزمی سپاه عباس میرزا قاجار، در نبرد با روسیه تزاری، تولید و تأمین می‌شد (تصویر ۷).

اما از آنجا که به لحاظ تاریخی روند تخریب و حذف هویت قاجاری ارک علیشاه تبریز با تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران (۱۳۰۹ ه. ش.) و همچنین تغییرات دیپلماتیک در مناسبات فرهنگی ایران و فرانسه آغاز شده است، شایسته است که پیش از ورود به بحث بررسی نظری مرمت سازه ارک، ابتداء سیاست‌های فرهنگی عهد پهلوی اول در موضوع آثار باستانی به اختصار بررسی شود.

سیاست‌های فرهنگی عهد پهلوی اول در موضوع میراث فرهنگی
ریشه‌های سیاست‌های فرهنگی عهد پهلوی اول در موضوع آثار باستانی به همان اواخر عهد قاجاریه و بالاخص پس از انقلاب مشروطیت می‌رسد که روشنفکران ایرانی فرنگ‌رفته، از پیشرفت‌های اروپا تأثیر گرفته و بالتبع خواستار ایجاد تحولات فرهنگی - اجتماعی و اصلاحات سیاسی - اقتصادی گسترده شدند که بحث میراث فرهنگی و آثار باستانی ایران هم یکی از آنها بود (آجورلو، ۱۳۸۳). از همین مقطع زمانی بود که معماری عهد

قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران همگی غیر ایرانی و غربی بودند؛ همچنین باید توجه و تأکید کرد که تکاپوی بنیان غیر ایرانی این قانون در همان سال‌هایی بود که اندیشمندان ممالک غربی با تصویب منشور آتن در مهرماه ۱۳۱۱ ه.ش. اولین پایه‌های نهادهای بین‌المللی چون ایکوم و ایکروم و ایکوموس را بنیان نهاده بودند (رک. صمدی، ۱۳۸۲: ۴۱۰-۳۶۷؛ Jokilehto, 2002). به موازات قانون سال ۱۳۰۹، روش و فنونی که در این سال‌ها برای مرمت و حفاظت از آثار تاریخی ایران به کار می‌رفت در تخریب آثار تاریخی عهد قاجار نقشی مهم و مؤثر داشت. مقاله‌نامه فرهنگی سال ۱۳۰۶ ه.ش. ایران و فرانسه پایان انحصار فرانسویان بر آثار تاریخی و باستان‌شناختی ایران و همچنین لغو دو امتیاز ناصری و مظفری ایشان را مشروط به اعطای دو امتیاز جدید به فرانسه کرده بود: اول این‌که فرانسه انحصار خود را در شوش و خوزستان حفظ کند و دوم آن‌که تا بیست سال پس از امضاء مقاله‌نامه جدید، ریاست و مدیریت اداره کل عتیقات ایران (بعدها اداره کل باستان‌شناسی) در انحصار

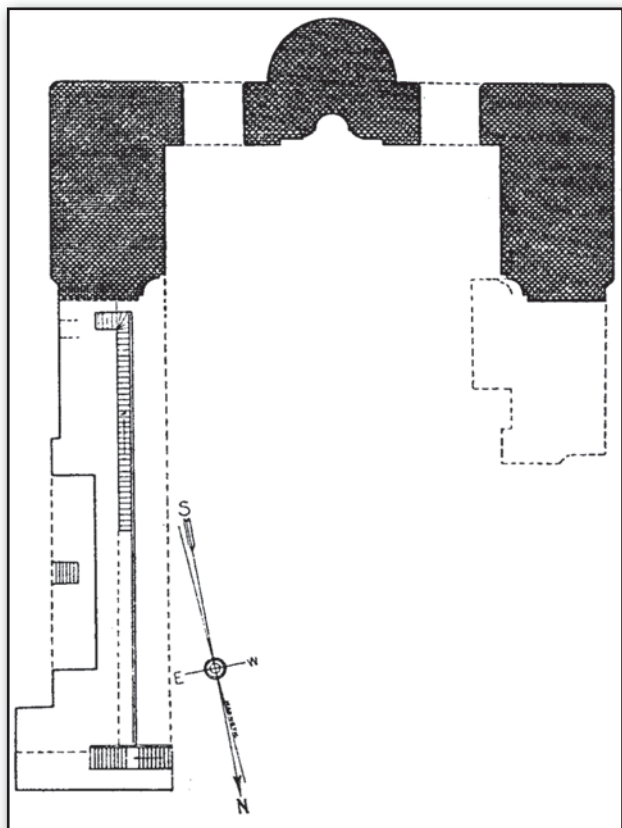
باستانی ایران و سپس تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران (آبان ۱۳۰۹ ه.ش.) مصوب مجلس شورای ملی، این روند را شتاب بخشید. قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران در حقیقت ترجمه فارسی قوانینی بود که ارنست هرتسفلد آلمانی، آرتور پوپ و «فریدریک وولسین» آمریکایی و «آندره گدار» فرانسوی با سرمشق قراردادن قانون عتیقات اداره کل مستعمرات بریتانیا در عراق و فلسطین تدوین و تنظیم کرده و سپس برای ترجمه به ذکاء‌الملک فروغی داده بودند. ماده اول همین قانون، مسئولیت قانونی حکومت پهلوی را در قبال آثار تاریخی و اموال فرهنگی-هنری ایران صرفاً تا پایان سلسله زندیه دانسته و تمامی آثار عهد قاجاریه را از شمول حمایت قانون و دولت خارج کرده بود (Majid, 2003). همین ماده قانونی، دست بسیاری از سوداگران خارجی میراث فرهنگی چون آرتور پوپ را در خروج این آثار از ایران باز گذاشت. باید توجه و تأکید کرد که کارشناسان و متولیان امر حفاظت از میراث فرهنگی ایران در عهد پهلوی اول و به هنگام تصویب



تصویر ۷. بازمانده قالب‌های ریخته‌گری و ادوات کارگاه توپ‌ریزی عهد قاجار که در کاوش‌های سال ۱۳۵۰ ه. ش. آقای سرفراز خاکبرداری شدند. مأخذ: آرشیو آقای علی اکبر سرفراز.
Fig. 7. The casting and metal molding tools dated to the Qajarid era; all unearthed by A. Sarfaraz's excavations in 1971. Sources: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.

که ماده اول قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران، که پیش‌نویس آن را وولسین، پوپ،^۲ هرتسفلد^۳ و گدار همراه با دخالت مستقیم

و اختیار یک نفر فرانسوی باشد (Majd, 2003: 69-72). «آندره گدار» معماری فرانسوی بود که به مدت بیست سال ریاست اداره کل عتیقات ایران را در دست داشت. وی در مرمت و حفاظت از آثار تاریخی تحت تأثیر آموزه‌های «اوژن ویوله لودو» فرانسوی و روش پاکسازی سبکی او بود که همین نگاه و روش وی باعث تخریب شماری از آثار عهد قاجاری ایران شد که ارک علیشاه تبریز یکی از نمونه‌های شاخص آن است.



تصویر ۸. پلان وضعیت ارک تبریز پس از تخریب حصار و باروی شهر؛ همچنین وضعیت موجود بنا تا سال ۱۳۶۰ ه.ش. ترسیم از پیتر باگز (Pope, 1967).
Fig. 8. The plan of the Arch of Alishah in Tabriz until 1981 after the city walls were destroyed. Source: Pope, 1967; Sketched by Peter Bags.



تصویر ۹. تخریب دیوار شرقی جبهه شمالی ارک تبریز در سال ۱۳۶۰ ه.ش. مأخذ: آرشیو آقای علی اکبر سرفراز.
Fig. 9. Destruction of the eastern wall situated in the northern façade of the Arch of Alishah in Tabriz in 1981. Source: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.

بررسی نظری مرمت ارک علی‌شاه تبریز

ارک علی‌شاه به شماره ۱۷۰ در سال ۱۳۱۰ ه.ش. در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده و حریم قانونی درجه یک آن به شعاع ۵۵ متر در خردادماه ۱۳۵۷ ه.ش. به تصویب رسیده و چنین مقرر شده است که بناهای پیرامون آن نباید بیش از هشت متر ارتفاع داشته باشند (خیری و صدرایی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۷ و ۱۶۵؛ Adjerloo, Mansouri, 2006). امتداد دیوار غربی ارک به مرور زمان فرو ریخته، اما امتداد دیوار شرقی تا سال ۱۳۶۰ ه.ش. همچنان پا بر جا مانده بود (تصویر ۸) تا این که در آذر ماه همان سال، با هدف احداث سازه‌ای جدید، امتداد دیوارهای شرقی و غربی ارک را چندان تخریب و نابود کردند که امروزه اثری از آنها بر جای نیست (تصویر ۹). با هدف توسعه سازه‌های جدید، در ۱۳۷۶/۴/۱۵ مرحله دوم تخریب ارک تبریز آغاز شد (خیری و صدرایی، ۱۳۸۱) و این بار حریم شرقی بنا را با ماشین‌آلات سنگین خاکبرداری عمیق کردند (تصویر ۱۰). طول بنا در جبهه شرقی به ۶۵/۵ م می‌رسید که بنا به مشاهدات، پس از تخریب تنها ۲۱/۱ متر از آن بازمانده است.

بر مبنای اسناد تاریخی و مشاهدات عینی معاصر، روند تخریب سازه‌ها و الحاقات عهد قاجاری در ارک علی‌شاه تبریز و تغییر منظر و ماهیت و هویت آن، طی هشتاد سال گذشته، گام به گام و دارای پنج مرحله زمانی بوده است:

۱) در سال ۱۳۱۰ ه.ش. حصار و باروهای قاجاری ارک علی‌شاه را پس از این که با عنوان مسجد جامع علی‌شاه در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد، تخریب و حذف کردند تا بنا به بافت شهر تبریز ملحق شود (تصویر ۱۱؛ نک تصویر ۱، ۸). اما با این حال، تمامیت هویت قاجاری ارک علی‌شاه محو و حذف نشد، زیرا چهل سال بعد، کاوش‌های آقای «علی اکبر سرفراز» ساختارها و سازه‌های دیگری از عهد قاجاریه را آشکار و پدیدار کرد.

۲) در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ ه.ش. سازه‌های قاجاری پیدا شده از کاوش‌های باستان‌شناختی، به استثنای داغ طاق‌های بخش سربازخانه، به بهانه احداث پارک، فضای سبز و مبلمان جدید شهری تخریب شدند. در اینجا لازم به توضیح و یادآوری است

۴) در سال ۱۳۷۶ ه.ش. شرکت ساختمانی مجری طرح احداث سازه‌های جدید، در محدوده حریم درجه یک جبهه شرقی بنا اقدام به خاکبرداری عمیق با ماشین‌های سنگین کرد که در نتیجه آن، شالوده‌های مسجد جامع علی شاه نابود شدند. ۵) در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۱ ه.ش. بانیان و مجریان کارگاه مرمت ارک علی شاه بدون رعایت ضوابط و مقررات فنی مرمت ابنیه تاریخی و نیز بدون مراجعه به اسناد و مدارک باستان‌شناختی اثر، واپسین علایم و نشانه‌های هویت قاجاری ارک علی شاه یعنی داغ طاق سربازخانه را حذف و محو کردند (تصویر ۱۲).

دولت‌های ایالات متحده آمریکا و فرانسه تدوین کرده بودند، آثار تاریخی و هنری عهد قاجاریه را از شمول حمایت‌های قانونی و حفاظتی وزارت فرهنگ و هنر وقت خارج کرده بود، و بنابراین در عمل، مجوز و مستمسک قانونی برای تخریب این آثار وجود داشت (در باره قانون ۱۳۰۹ رک. صمدی، ۱۳۸۲: ۲۵۳-۲۴۸؛ (Majd, 2003: 74-84).

۳) در سال ۱۳۶۰ ه.ش. بخش شمالی دیوارهای عهد ایلخانی ارک علی شاه، مضاف بر پلکان قاجاری متصل به جبهه شرقی آن، با هدف ساخت سازه‌های جدید، تخریب شدند (خیری و صدرایی، ۱۳۸۱).



تصویر ۱۰. تخریب حریم شرقی ارک تبریز در سال ۱۳۷۶ ه.ش. عکس: بهرام آجورلو، ۱۳۷۶.

Fig. 10. Destruction of the eastern side of the Arch of Alishah in Tabriz in 1997. Photo by Bahram Ajorloo, 1997.

تصویر ۱۱. واپسین بازمانده‌های باروی عهد قاجاری ارک تبریز که در سال ۱۳۵۰ ه.ش. تخریب شد. مأخذ: آرشیو آقای علی اکبر سرفراز.

Fig. 11. The final remains of the Qajarid walls in the Arch of Alishah in Tabriz that were destroyed in 1971. Source: The personal archive of Ali akbar Sarfaraz.



نشانه‌های مادی و باستان‌شناختی جنگ‌های ایران و روس و هویت قاجاری ارک علی‌شاه به مثابه ستاد فرماندهی و قرارگاه سپاه ایران برای آزادی قفقاز و شمال آذربایجان از اشغال روسیه برای همیشه از میان بروند.

باید توجه داشت که هدف از مرمت یک اثر تاریخی، حفظ تمامیت و خصوصیات بارز فرهنگی و تاریخی آن است و مرمت‌گر مجاز نیست بخش‌های الحاقی یک اثر تاریخی را جهت رسیدن به لایه‌های کهن‌تر و یا برای شماری از اقدامات مرمتی دیگر محو و تخریب کند. منشور ونیز، مصوب سال ۱۹۶۴م، به اهمیت یادمان‌های تاریخی به عنوان یک اثر فرهنگی و حفظ تمامیت اثر تاریخی به سبب دارا بودن ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی تأکید می‌کند (فلامکی، ۱۳۸۰: ۲۴۰; Jokilehto, 2002: 288). منشور نارا، مصوب سال ۱۹۹۴م، نیز در تأیید و تکمیل منشور ونیز به تعریف اصالت اثر پرداخته، و بر حفظ اصالت در مرمت آثار تاریخی بسیار تأکید می‌کند (Ibid). بنابراین با توجه به منشورهای بین‌المللی باید توجه و تأکید شود که هر چند مرمت ذاتا نوعی مداخله در اثر است، اما مطالعه کامل ماهیت و هویت و کارکرد تاریخی اثر پیش از مرمت و همچنین حفظ تمامیت و هویت و اصالت اثر یک ضرورت حیاتی است.



تصویر ۱۲. حذف واپسین نشانه‌های داغ طاق‌های ضربی سربازخانه عهد قاجاری از دیوار غربی ارک تبریز به وسیله آجرکاری‌های جدید و بر مبنای روش پاکسازی سبکی؛ مقایسه شود با تصویر ۱. تصویر در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ ه. ش تهیه شده است. مأخذ: آرشیو علی نعمتی بابایلو.

Fig. 12. The final architectural signs of vaults of the western wall of the Arch of Alishah as were customary to the Qajarid garrisons. The signs were all destroyed after new brick works and also as the result of the stylistic methods of restoration (Picture taken in May 2010). Please compare with Fig. 1. Source: The personal archive of Ali Ne'mati Babayloo.

همچنین، بنا بر آنچه گفته شد، بخش‌های قاجاری ارک علی‌شاه با اجرای مرمت به روش پاکسازی سبکی در دو مرحله تاریخی حذف شده‌اند:

الف) در مرحله اول اجرای روش پاکسازی سبکی (۱۳۵۷-۱۳۱۰ ه.ش.) آثار و لایه‌های الحاقی قاجاری را در مقایسه با آثار عهد ایلخانی فاقد ارزش تاریخی دانسته و حذف کردند. مبنای نظری این تخریب و حذف هویت قاجاری، صرف نظر از ماهیت قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران، آراء و عقاید «اوژن ویوله لودو» معمار و مرمت‌گر نظریه‌پرداز فرانسوی قرن ۱۹م. است که می‌نویسد: تمامی الحاقات متأخر و عناصری که طی زمان به بنا اصلی افزوده شده‌اند باید حذف شوند؛ و مرمت یک اثر تاریخی صرفا باید با رعایت سبک اصلی و اولیه آن و با حذف تمامی الحاقات بعدی انجام شود (Jokilehto, 2002: 137-155).

ایوان ارک پس از فرو ریختن طاق آن در عهد ایلخانی فاقد کاربری و یا الحاقات دیگر بود تا اینکه در عهد قاجاریه و مقارن جنگ‌های سرنوشت‌ساز ایران با روسیه تزاری برای آزادی شمال آذربایجان و ۱۷ شهر قفقاز، ضرورت‌های نظامی ایجاد کرد که کاربری ایوان علی‌شاه تبریزی به کارگاه توپ‌ریزی و باروت‌کوبی و قلعه شهر تغییر یابد (Adjerloo & Mansouri, 2006). از این منظر، الحاقات قاجاری ارک علی‌شاه بخشی مهم از صفحات تاریخ معاصر ایران بوده که نتایج اسفبار آن، سلسله‌ای از حوادث تاریخی را برانگیخت که تا به امروز نیز کمابیش تأثیرات منفی آن بر جامعه ایرانی محسوس و مشهود است. اما متأسفانه حذف همین لایه‌ها و الحاقات سبب شد که بخشی از شواهد و مدارک تاریخی جنگ‌های ایران و روس از بین رفته و نابود شود.

همچنین در پاکسازی سبکی ارک علی‌شاه به تبعیت از سرمشق‌های اوژن ویوله لودو^۱ باید به نقش اساسی آندره گذار، مدیر کل فرانسوی عتیقات ایران، اشاره و تأکید شود. آندره گذار معماری فرانسوی بود که در راستای سیاست تفاهم و تعامل دولت وقت ایران با دولت فرانسه برای لغو امتیاز انحصار انکشاف آثار قدیمه در ممالک محروسه ایران مصوب سال ۱۹۰۰م، معروف به قرارداد مظفری، و نیز گشودن راه برای تصویب قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران، که البته فرانسه در ابتداء بدان رضایت نمی‌داد، به اداره کل عتیقات (بعدها باستان‌شناسی) وزارت فرهنگ و معارف و صنایع مستظرفه رضاشاهی تحمیل شده و به مدت بیست سال ریاست آن اداره مهم را در دست داشت (Majd, 2003: 69-72).

ب) در مرحله دوم اجرای روش پاکسازی سبکی (۱۳۹۱ - ۱۳۸۷ ه.ش.) به بهانه مرمت و استحکام بخشی لایه‌های بیرونی ایوان ارک، اما بی‌توجه به یافته‌های باستان‌شناختی، داغ طاق‌های سربازخانه عهد عباس میرزا فرمان‌فرما زدوده شد تا واپسین

نتیجه گیری

حذف و امحاء الحاقات قاجاری ارک علی شاه، اقدامی برای حفظ تمامیت و اصالت اثر نبوده و کاربرد شیوه پاکسازی سبکی و نیز محو و امحاء دیگر بقایا و الحاقات قاجاری در سال‌های اخیر به بهانه مرمت اثر، البته صرف نظر از تلاش برای ساخت و توسعه سازه‌های جدید و ناهمگون با بافت تاریخی تبریز، با تعاریف، اهداف و منشورهای ملی و بین‌المللی برای حفظ و مرمت آثار تاریخی هماهنگی و هم‌خوانی نداشته است. یافته‌های باستان‌شناختی ثابت کرده‌اند که ویرانه‌های ایوان علی شاه تبریزی پس از فروریزی طاق آن در عهد ایلخانی تا آغاز جنگ‌های ایران و روسیه کاربری نداشته و مجموعه‌ای بوده است در بیرون از شهر تبریز. مقارن با پیشروی لشکریان روسیه تزاری به سوی رود ارس و تهدید ولی‌عهد نشین تبریز، ضرورت تأمین ساز و برگ سپاه ایران و هدایت لشکریان ایجاب می‌کند که به فوریت یک قلعه و تأسیسات توپ‌ریزی و باروت‌کوبی احداث شود. به نظر می‌رسد که سرعت پیشروی اردوی روس و مضعفه مالی - تدارکاتی سپاه ایران، عباس میرزا فرمان فرما را بر آن داشته است که با صرفه‌جویی در خزانه دولت، در حداقل زمان ممکن و با استفاده از مصالح و امکانات موجود و با افزودن سازه‌های الحاقی تلاش کند تا ایوان علی شاه به یک دژ مستحکم تبدیل شود. بنابراین الحاقات قاجاری ارک علی شاه یکی از مهم‌ترین شواهد و مدارک مادی تاریخ جنگ‌های ایران و روس و جدایی شمال آذربایجان و ۱۷ شهر قفقاز از ایران بود که اهمیت تاریخی آنها نباید کمتر از بنای عهد ایلخانی ایوان علی شاه تبریزی پنداشته می‌شد. اما متأسفانه خروج آثار تاریخی عهد قاجار از شمول قانون راجع به حفظ آثار ملی ایران، مرمت به شیوه پاکسازی سبکی با سرمشق‌های ویوله لودو، عدم رعایت حریم درجه یک اثر و همچنین بی‌توجهی عمدی به آیین‌نامه‌ها و مقررات فنی ناظر بر مرمت آثار باستانی و فقدان نگرش باستان‌شناختی به ماهیت و هویت و اصالت اثر به هنگام مرمت آن سبب شده است که امروز ارک علی شاه تبریز نشانه‌های هویت قاجاری و بخشی از شواهد باستان‌شناختی و تاریخ مادی جنگ‌های ایران و روس را برای همیشه از دست بدهد. بنابراین، برای حذف هویت قاجاری ارک تبریز باید به دو علت اصلی اشاره کرد:

الف) ناآگاهی متولیان امر از چگونگی تصویب قوانین فرهنگی به علت دخالت ناصواب بیگانگان و نیز اجرای روش پاکسازی سبکی.

ب) تخریب‌های فراگیر سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۶ ه.ش. و سپس، حذف واپسین علایم هویت قاجاری ارک در سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۸۷ ه.ش. با روش پاکسازی سبکی.

در اینجا باید بر اهمیت الحاقات قاجاری ارک تبریز بار دیگر تأکید شود. زیرا، هر چند که به لحاظ زیبایی‌شناسی معماری تاریخی، ارزش هنری و تکنیکی و استحسانی نداشته، اما بدون هیچ شک و تردیدی از منظر تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر ایران و بالاخص تاریخ مقاومت ایرانیان در برابر بیگانگان واجد اهمیت و ارزش بسیار بوده است. بنابراین، در مرمت نباید صرفاً به ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناختی و تکنیکی اثر توجه و تأکید کرد؛ بلکه جنبه‌های مرتبط با تاریخ سیاسی و اجتماعی اثر و ارزش‌های معنوی آن برای مردم نیز مهم است. پاکسازی سبکی یکی از شیوه‌های مخرب در مرمت آن دسته از آثار باستانی است که چندین دوره کاربری متفاوت از هم دارند؛ چون که این روش، بازتاب مادی فرایندهای گوناگون تاریخی یک اثر معماری را که در گذر ایام به شکل سازه‌های الحاقی کسب کرده است، از آن سلب می‌کند و با حذف فرهنگ مادی دوره‌های تاریخی متأخر از بنا و اثر، در واقع به بیان عینی - مادی تاریخ ضرر می‌رساند و به کاستی در فهم تاریخ می‌انجامد. کاربرد این روش برای مرمت بناهای تاریخی ایران که از منظر باستان‌شناسی بیشتر آنها دارای چندین دوره متفاوت کاربری تاریخی بوده و یا در گذر تاریخ کاربری بلندمدت و مستمر داشته و تجارب تاریخی گوناگونی به شکل الحاقات متعدد کسب کرده‌اند، همانند نمونه ارک علی شاه تبریز، بسی مخرب و منفی ارزیابی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- هرچند که رعایت تناسب ارتفاع بنای تاریخی ارک و سازه‌های معاصر پیرامونی آن از دیدگاه حفظ هویت در منظر شهری و زیبایی‌شناسی منظر شهری در بحث بلند مرتبه سازی قابل تأیید است اما متأسفانه امروزه دیگر متولیان ذریع هیچ‌اصرا بر رعایت و حفظ آن ندارند؛ به طوری که نه تنها طراحی معماری معاصر تبریز با فرهنگ و اقلیم بومی آن (بر خلاف بافت تاریخی ایچری شهر باکو) هیچ تناسبی ندارد بلکه هویت منظر شهری و بافت تاریخی تبریز نیز دچار لطمات و صدمات جبران ناپذیر متعددی شده است (درباره هویت منظر شهری و زیبایی‌شناسی بلند مرتبه سازی و ایچری شهر باکو: رک. آتشین‌بار، ۱۳۸۹؛ منصور، ادیبی، کریمی‌مشاور، ۱۳۸۹؛ عبدالحسینی، ۱۳۹۰).
- آرتور پوپ همچنین به قاچاق میراث فرهنگی و آثار هنری ایران متهم شده است (در این باره رک. Muscarella, 1999; Majd, 2003).
- آرنست هرتسفلد به اتهام قاچاق میراث فرهنگی و آثار هنری در سال ۱۳۱۴ ه.ش. از ایران اخراج شد (Majd, 2003: Ch. VII).
- درباره اوزن ویوله لودو و روش پاکسازی سبکی رک. بخش‌های ۱ و ۲ از فصل ۶: Jokilehto, 2002.

فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. ۱۳۸۸. تداوم هویت در منظر شهری. *فصلنامه باغ نظر*، ۶ (۱۲): ۴۵-۵۶.
- آجورلو، بهرام. ۱۳۸۳. تعامل باستان‌شناسی و سیاست در ایران: نگاهی به مکاتب نظری و ملی‌گرایی در باستان‌شناسی ایران در سده بیستم. *مجموعه مقالات دومین همایش ملی ایران‌شناسی*، ۱۹-۱. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. ۱۳۶۶. *مرآت البلدان*. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جهانگیر میرزا قاجار. ۱۳۲۷. *تاریخ نو*. به کوشش عباس اقبال. تهران: چاپخانه علمی.
- خیری، سیروس و صدرایی، علی. ۱۳۸۱. *ارک علی شاه تبریز: اثری ماندگار*. تبریز: مهد آزادی.

- سهیلی، جمال الدین و دیبا، داراب. ۱۳۸۹. تأثیر نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه. فصلنامه باغ نظر، ۷ (۱۴): ۳۷-۴۴.
- صمدی، یونس. ۱۳۸۲. میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- عبدالحسینی، جواد. ۱۳۹۰. سازگار کردن طراحی خانه‌های مسکونی تبریز و باکو با فرهنگ و اقلیم بومی. فصلنامه باغ نظر، ۸ (۱۸): ۲۴-۱۳.
- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۸۰. باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیودور کوف، بارون. ۱۳۷۲. سفرنامه بارون فیودور کوف ۱۸۳۵-۱۸۳۴. ت: اسکندر ذبیحان، تهران: فکر روز.
- منصوری، سید امیر و آجورلو، بهرام. ۱۳۸۲. بازشناسی ارک علی‌شاه تبریز و کاربرد اصلی آن. فصلنامه هنرهای زیبا، (۱۶): ۶۸-۵۷.
- منصوری، سید امیر، ادیبی، علی اصغر و کریمی مشاور، مهرداد. ۱۳۸۹. رابطه چگونگی قرارگیری ساختمان‌های بلندمرتبه و منظر شهری، فصلنامه باغ نظر، ۷ (۱۳): ۸۹-۹۹.
- نادر میرزا قاجار. ۱۳۷۳. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: انتشارات ستوده.

Reference list

- Abdi, K. (2001). Nationalism, politics and development of archaeology in Iran. *American Journal of Archaeology*, 105 (1): 51-76.
- Abdolhoseyni, J. (2011). Adaptability of design of residential houses in Tabriz and Baku with the native culture and climate, *Journal of Bagh- e Nazar*, 8 (18): 13-24.
- Ajourloo, B. (2004). The interaction of archaeology and politics in Iran: Theoretical schools and nationalism in the Iranian archaeology in the 20th century, In Habibi, H., et al. (eds.). *Proceedings of the 2nd Iranian National Congress on Iranology*. Tehran: Iranology Foundation.
- Adjerloo, B. & Mansouri, S. A. (2006). Architecture of Azerbaijan in Ilkhanid Era, the Case Study: A New Archaeological Research on the Ark of Alishah in Tabriz, In *Proceedings of the 5th Conference of Societas Iranologica Europaea*, held in Ravenna, 6-11 Oct. 2003. Vol. 2. Edited by Panaino, A. & Zipoli, R. Milano: Mimesis.
- Atashinbar, M. (2009). The continuity of identity in urban landscape. *Journal of Bagh- e Nazar*, 6 (12): 45-56.
- Aubin, E. (1908). *La Perse d'aujourd'hui, Iran, Mésopotamie*. Paris: Armand Colin.
- Dieulafoy, J. H. M. (1887). *La Perse, La Chaldée et La Susiane. 1881-1882*. Paris: L. Hachette et Cie.
- Hojjat, M. (1995). *Cultural Heritage in Iran: Policies for an Islamic Country*. PhD Dissertation. Heslington: University of York.
- E'temad Al- Saltaneh, M. H. (1987). *Meraat Al- Boldān*, Vol. 1. Edited by Navaie, A. & Mohaddes, M. H. Tehran: University of Tehran press.
- Falamaki, M. M. (2001). *Revitalization of Historical Monuments and Cities*. Tehran: University of Tehran.
- Feodorkov, B. (1993). *Safarnameh-ye Baron Feodorkov 1834-1835* [The Memoires of Baron Feodorkov in Iran, 1834-1835]. Translated into Persian by Zabihan, A. Tehran: Fikr- e Rooz Publication.
- Jahangir Mirza Qajar. (1948). *Tarikh-e No* [The New History]. Edited by Iqbal, A. Tehran: Elmi Publication.
- Jokilehto, J. (2002). *A History of Architectural Conservation* (1st print 1999). Oxford: Buitenworth- Heinemann.
- Kheyri, C., Sadraee, A. (2002). *Ark- e Alishah- e Tabriz: Asar- e Mandigar* [Arch of Alishah in Tabriz: An Eternal Monument]. Tabriz: Mahd- e Azadi Publication.
- Majd, M. G. (2003). *The Great American Plunder of Persia's Antiquities, 1925-1941*. Lanham & New York: University Press of America.
- Mansouri, S. A., Ajourloo, B. (2003). The Re-cognition of Ark of Alishah in Tabriz and its Main Function. *Journal of Honar'ha-ye Ziba*, (16): 57-68.
- Mansouri, S. A., Karimi Moshaver, M. & Adibi, A. A. (2010). Relationship between the urban landscape and position of tall building in the city. *Journal of Bagh- e Nazar*, 7 (13): 89-99.
- Muscarella, O. W. (1999). The Pope and the bitter fanatic, In *The Iranian World: Essays on Iranian Art and Archaeology Presented to Ezat-al-lah Negahban*. Edited by A. Alizadeh et al. Tehran: Iran University Press.
- Nader Mirza Qajar. (1994). *Tarikh va Joghrafiya- ye dar al- saltanate- ye Tabriz* [The History and Geography of Tabriz the City of Crown Prince]. Edited by Majd, G. T. Tabriz: Sotoodeh Publication.
- Pope, A. U. & Ackermann, P. (1967). *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*. 2nd edition, New York: Oxford University Press.
- Samadi, Y. (2003). *Miras- e Farhangi dar Hoquq- e Dakhili va Beynalmelali* [The Cultural Heritage and the National and International Laws]. Tehran: ICHTO.
- Soheili, J., Diba, D. (2010). How government systems have influenced the emergence of nationalist architectural movements in Iran and Turkey. *Journal of Bagh- e Nazar*, 7 (14): 27-44.

The Alienation of Qajarid Identity at the Arch of Alishah in Tabriz as the Result of Stylistic Restoration Methods

Bahram Ajourloo*

Ali Ne'mati Babayloo**

Abstract

The military architecture of Qajar dynasty is one of the technical issues in the Iranian history of architecture which has not yet been considered professionally. As a Qajarid fort, Arch of Alishah in Tabriz is one of the material culture evidences for Russo- Persian conflicts. On the basis of historical texts, this monument was the fort of Tabriz during the Qajar era. Archaeologically, the Arch of Alishah in Tabriz is remains of an incomplete Ilkhanid mausoleum which had being constructed in 1318- 1339 in the central yard of the architectural complex of the cathedral mosque of Alishah of Tabriz. Under Ali A. Sarfaraz's archaeological excavations in 1970s, the architectural remains and also plans of an Ilkhanid monument had been unearthed which had no wall in the south. This means that there was no Mihrab wall for Qibla. But, this plan had an arched portal joint with tow minarets. It seems that such a plan had been changed later and the portal with minarets replaced by the current Arch of Tabriz constructed in the south towards Qibla. Architecturally, this project became incomplete by reason of the collapse of its height curved vault. All of these facts mean that the current Arch of Alishah in Tabriz is not the remains of the same famous mosque of Alishah. But, archaeologically, such remains were situated in the east side of the current Arch when all of them, unfortunately, had been destroyed in 1997! The incomplete gigantic project of Arch retrieved in the Qajarid era when the Russo- Persian conflict over Caucasus and the northern lands of Azerbaijan imposed Abbas Mirza's army to build a new fort and garrison for Tabriz the crown prince's city of the Qajar dynasty. As luck would have it, the military architecture of Qajarid Iran has not yet been more considered by professional historians of Iranian architecture. Geopolitically, although, the political map of Iran have been changed during the reign of Qajar dynasty as a consequence of historical campaigns of Iran in opposition to the offensive Tsarist Russia (1804-1828) and British Empire (1857) and by means of historical treaties of Golestan, Turkmen Chay and Paris. Finally, the current political map of Iran established after 1918. Consequently, any study on the Qajarid military architecture provides information over the both socio- economic and political processes of Iran during these times. The Arch of Alishah in Tabriz can be regarded as one of the basic such military monuments. This fortress had been constructed urgently, by no programmed plan, on the ruins of Ilkhanid Arch of Tabriz by reason of the Russo- Persian conflict over Caucasus and the north of Azerbaijan. For this purpose, the Iranian head quarter of army just added some new buildings to that Ilkhanid monument to give her a new military function. All of these mean that the Qajarid layers at the Arch of Alishah in Tabriz were some of the basic and outstanding historical evidences and material cultures remained from the Russo- Persian conflicts. Alas, none of them have been remained during the past eight decades by means of stylistic techniques of restoration! In addition to the Ilkhanid relics, archaeological excavations at the Arch of Alishah, under Ali A. Sarfaraz in 1971, uncovered military architectural remains and old weapons all belonging to Qajar dynasty. These remains are presented as the fort of Abbas Mirza Farmanfarma where ammunitions of Iranian troops were made, during the Russo- Persian campaigns. Unfortunately, the alienation processes of Qajarid identity at the Arch of Alishah in Tabriz have been formed by the Iranian antiquities law of 1930 which did not cover Qajarid relics; and the stylistic restoration methods too. And as the result, Iranian history of Russo- Persian conflicts has lost some of its material culture and archaeological evidences forever. Aesthetically, although the further Qajarid structures to the Ilkhanid Arch of Tabriz had no architectural values and building innovations, their socio- political values in the Iranian history of resistance in opposition to the 19th century imperialism and colonialism should be emphasized. In the conservation and restoration process of historical monuments this means that socio- cultural aspects besides socio- spiritual values in historical contexts should be approached in addition to aesthetics, art and techniques. As the result, the stylistic restoration should be regarded as one of the destructive and harmful methods for historical monuments have some different historical- functional layers and additional structures. Such monuments reflect material cultures and historical events which have been accepted in form of additional layers and joint structures during the time. Then, evidently, the stylistic methods of restoration causes misunderstanding of history by remove of material cultures of history. Archaeologically, in conclusion, the usage of stylistic restoration for long term historical monuments of Iran have different periodization and presents various historical functions all in form of additional structures should be regarded as destructive methods and harmful techniques, as presented here on the example of Arch of Alishah in Tabriz.

Keywords

Arch of Alishah in Tabriz, Qajarid era, Iranian 1930 law of antiquities, Restoration and conservation, Stylistic restoration methods.

*. Ph.D. in Archaeology, Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University & General director of the Institute for the Conservation of Monuments and Historical- Cultural Quarters, Tabriz Islamic Art University. ajorloo@tabriziau.ac.ir

** . M.A. in the Conservation of Cultural Properties, Tabriz Islamic Art University, Institute for the Conservation of Monuments and Historical- Cultural Quarters, Tabriz Islamic Art University. babayloo@tabriziau.ac.ir